

## فصل اول: زنگ علوم (گردش در باغ)



ما به کمک حواس خود محیط اطرافمان را می‌شناسیم. با چشم‌ها می‌بینیم. به کمک گوش‌ها صداها را تشخیص می‌دهیم. بینی و زبان در تشخیص بوها و مزه‌ها ما را یاری می‌کنند. حس بویایی انسان بسیار حساس است. و می‌تواند بیش از ده هزار بوی مختلف را تشخیص دهد. پوست به ما کمک می‌کند تا گرمی و سردی، نرمی و زبری و درد را تشخیص دهیم.

ما برای جمع‌آوری اطلاعات محیط اطراف خود، مشاهده می‌کنیم و هنگام مشاهده از چند حس خود استفاده می‌کنیم. بهتر است آنچه را مشاهده می‌کنیم، یادداشت نماییم. همچنین برای مشاهده‌ی دقیق‌تر، از وسیله‌های مختلفی استفاده می‌کنیم، مثل ذره‌بین، خط‌کش، دوربین عکاسی، وسیله‌ی ضبط صدا و ...

خوب است بدانیم یک یادداشت خوب، یادداشتی است که مشاهده‌کننده آنچه را که می‌بیند و می‌شنود به طور دقیق یادداشت کند، نه آنچه را که خودش تصور می‌کند.





## علوم دوم دبستان



من گل‌ها را می‌بینم	حسّ بینایی دارم
من گل‌ها را می‌بویم	حسّ بویایی دارم
می‌شنوم صدا را	حسّ شنوایی دارم
می‌چشم مزه‌ها را	حسّ چشایی دارم
با دستم می‌کنم لمس	نرمی، گرمی، سردی، را
حسّ لامسه دارم	لمس می‌کنم اشیا را
با تمام حواسم	درک می‌کنم دنیا را
برای این نعمت‌ها	شکر می‌کنم خدا را

🌸 به تصویر روبه‌رو نگاه کن. اگر در این محل بودی:



👁️ چه چیزهایی می‌دید؟

👂 چه صداهایی می‌شنیدی؟

👃 چه بوهایی حس می‌کردی؟

🌸 با توجه به تصویر، موارد خواسته شده را نام ببر.

👁️ وسایل سفت:

👂 وسایل نرم:

👃 وسایل صاف:

👃 وسایل زبر:

👃 وسایل گرم:

👃 وسایل سرد:



## فصل اول: زندگی علوم (گردش در باغ)

در یک روز تعطیل علی، محمد، میثم و ناصر همراه خانواده‌های خود به کنار رودخانه رفته بودند.



هر یک از بچه‌ها آنچه را مشاهده کرده یادداشت نموده‌اند. یادداشت‌های هر یک از بچه‌ها را بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

### یادداشت‌های محمد:

چیزهایی را که دیدم: درخت، گل‌های رنگارنگ، قارچ،  
 دو تا اردک، یک رودخانه، بارش باران، سبزه‌زار. با  
 دزه‌بین روی برگ گل‌ها و قارچ‌ها را دیدم. خال قارچ‌ها  
 و خط‌های روی برگ‌ها را با دقت دیدم.  
 صداهایی که شنیدم: صدای بارش باران، صدای  
 اردک‌ها، صدای جریان رود. با تلفن همراه پدرم صدای  
 اردک‌ها را ضبط کردم.

### یادداشت‌های علی:

در آن جا درخت، قارچ، گل، اردک دیدم.  
 باران می‌بارید. رودخانه زیبا بود.  
 چمن‌ها سبز بودند.  
 صدای اردک‌ها را شنیدم.  
 بوی چمن و گل می‌آمد.



## علوم دوم دبستان

### یادداشت‌های ناصر:

با تلفن همراه پدرم یک عکس گرفتم و توانستم صدای اردک‌ها و رودخانه را ضبط کنم.

چیزهایی که دیدم: چند درخت، دوتا اردک، رودخانه، آب باران، چندین گل زیبا و رنگارنگ، چندتا قارچ کوچک و بزرگ چمن‌زار

صداهایی که شنیدم: صدای باران، صدای رودخانه، صدای اردک‌ها گاهی صدای باد که لابه‌لای شاخه‌های درخت می‌پیچید.

بوهایی که حس کردم: بوی باران، بوی چمن‌زار، بوی گل‌ها

چیزهایی که لمس کردم: گلبرگ گل‌ها نرم بود، تنه‌ی درخت خیلی سفت بود. آب رودخانه نرم بود. باران به صورتم می‌خورد.

### یادداشت‌های میثم:

باران زیبا بود.

آب رودخانه در حرکت بود.

درخت‌ها آن جا بودند.

اردک‌ها شنا می‌کردند و صدا

می‌دادند.

قارچ‌ها رشد کرده بود.

گل‌ها زیبا بودند.

اردک‌ها دوتایی شنا می‌کردند.

یادداشت‌های علی و ناصر را بخوان. با خواندن کدام یادداشت اطلاعات بیش‌تری به‌دست آوردی؟

یادداشت‌های محمد و میثم را بخوان. کدام‌یک دقیق‌تر مشاهده کرده‌اند؟

محمد از چه وسیله‌هایی برای مشاهده‌ی دقیق‌تر استفاده کرده است؟

ناصر از چه وسیله‌هایی برای مشاهده‌ی دقیق‌تر استفاده کرده است؟

از بین این چهار نفر کدام یک دقیق‌تر مشاهده کرده؟ چرا؟



## فصل اول: زندگی علوم (گردش در باغ)



یک سیب بردار و با توجه به آنچه در مورد یک مشاهده‌ی دقیق یادگرفته‌ای، سیب را مشاهده کن و مشاهدات خود را بنویس.

مشاهدات من:

---

---

---

---

---

---

---

---

